

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد آصف فقیری

۰۹ جون ۲۰۲۵



محمد آصف فقیری

دولت: کامل ناتمام...!

دولت یا خدمات عامه و زمانی که توسط میثاق مردمی همانا قانون اساسی، شاهد مشروعیت و حقانیت قدرت دولتی می باشیم. که این وجه تأسیسی را، کامل بودن دولت به اهداف توسعه – که توسعه پایان ناپذیرست و ناتمام، یعنی توسعه در هر نسل از مبانی عقلانیت نیازمند ستراتیژی می باشد.

در افغانستان عناصر دولت سازی یا عناصر دولت را، در ذیل به تحلیل می گیرم:

ملت: فرآیند ملت سازی یا بلوغ فرهنگی مردم است که، شهروندی و بلوغ سیاسی مردم در مبانی افکار عمومی، بنیاد و اساس تصامیم سیاست های دولت گردد – در کشور ما افغانستان ملت سازی به سبب بحران های فکری داخلی که شامل: فهم نادرست از دین و قوم گرایی می باشند، که این بحران ها، توسط قدرت های منطقه ئی به نتیجه جنگ های داخلی انجامیده و ملت سازی را، چون توهم ساخته است.

جغرافیا: سرحدات حقوق بین الملل معاصر در ۱۹۴۷ با مخالفت های بسیار جدی در شرق و منطقه انجامید، به طور مثال: ایجاد پاکستان، اسرائیل و یا ویتنام و تجزیه کوریا و غیره... که مبحث خط دیورند در سرحد افغانستان و پاکستان و معضلات ناشی از آن، در عنصر سازنده یعنی ملت و جغرافیا تأثیر انداخته است.

حاکمیت: منظور از حاکمیت در دوره مدرنیته، حاکمیت ملی یا مردمی می باشد. که افراط گرایان دینی حاکمیت ملی را، در تضاد حاکمیت الهی توجیه می کنند – در حالی که مجری حاکمیت الهی یا جایگاه دین در تصویب قوانین و اجرای قوانین به متخصصان، سیاست معقول به اهداف یا نتیجه مقبول دانسته شده است.

حکومت: عنصر حکومت در دولت، پدیداری حاکمیت مردمی در قوای ثالثه می باشد. در صورتی که قدرت در سه قواء در نهادها در جریان نباشد، عبارت از حاکمیت فردی یا صنفی که استبداد است نه آزادی ...

مشروعیت: البته منظور از مشروعیت انتخاب مجریان توسط مردم – که فضیلت انتخاب همانا مردم به بلوغ سیاسی سیر کرده باشند، تا به اساس قومیت و مذهب دینی در جزم اندیشی قرار نداشته باشند و به بلوغ سیاسی پس از مشروعیت در نظارت قدرت نیز مفهوم دارد. که حقانیت قدرت یعنی این که قدرت به هدف منافع عامه فعال باشد.

روابط حسنه با سایر کشورها: اصل وفا به عهد در اصول حقوق بین الملل، روح یا جان روابط بین المللی می باشد – که قطعاً در میثاق ملی یا قانون اساسی تکلیف دایمی بالای دولت، رعایت معاهدات بین المللی است که کشور در آنان الحاق شده است.

در نتیجه و افغانستان:

دشواری های عناصر دولت، در کشورما، در واقع از فقر فکری به ناامیدی مبدل شده است – از آنجائی که جوانان نیروی سازندگی شمرده می شوند، در حالی که اکثریت جوانان کشورما، آرزوی رسیدن به کشورهای غربی را، دارند. که مبدل کردن افغانستان چون کشورهای غربی، به اساس تحقیق نه تقلید، مصداق حاکمیت قانون و توسعه کشورما، خواهد بود. که باید ذهنیت سازی مدرنیته را، شامل: منطق، فلسفه و تفکر انتقادی دانست و درج بسترهای جامعه کرد.

«فقیری»